

غزل شماره ۸۱

صبحدم مرغِ چمن با گلِ نوخاسته گفت
نازکم کن که در این باغ، بسی چون تو شکفت

گل بنخید که از راست زرخیم ولی
بیش عاشق سخنِ سخت به معشوق نگفت

گر طمع داری از آن جامِ مُرّص می لعل
ای بساد که به نوکِ مژدهات باید سُفت

تا ابد بوی محبت به شامش نرسد

هر که خاک در میخانه به رخساره نرُفت

در گلستانِ ارم دوش چو از لطف هوا

زلفِ سنبل به نسیم سحری می آشفست

گفتم ای مَسَدِ جم، جامِ جهان پُنت کو

گفت افسوس که آن دولتِ یدار بخفت

سخنِ عشق نه آن است که آید به زبان

ساقی می ده و کوتاه کن این گفت و شنفت

اشکِ حافظِ خرد و صبر به دریا انداخت
چه کند سوزِ غمِ عشقِ نیازست نهفت

تفسیر فال

از شنیدن سخنان سنجیده و صحیح ناراحت نشو. به یاد داشته باش که این نکات به خاطر مصلحت تو بیان می‌شوند، حتی اگر در لحظه‌ای احساس کنی کسی نمی‌تواند تو را درک کند. آن کاری که اصرار داری به انجامش برسی، ممکن است در نهایت عاقبت خوشی نداشته باشد و منجر به پیامدهای ناخواسته‌ای شود. بنابراین، لازم است که در افکارِ تجدید نظر کنی و با دقت بیشتری به مسائل نگاه کنی. مشورت با اهل فن و کارشناسان می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات تو باشد و دیدگاه‌های جدیدی را برای روشن کردن، همچنین، صبر کردن در کنار جستجوی راه‌حل‌ها نه تنها نیازهای تو را برطرف خواهد ساخت بلکه باعث می‌شود تا در بهترین زمان ممکن تصمیمات صحیحی بگیری.

به کوشش : پارسی دی

منبع تفسیرها: آلامتو و سلام دنیا